

[مختار در دلیل تخییر؛ متافهم عرفی از روایات 1](#_Toc511060409)

[عدم تمامیت استدلال به ادله «لایبطل دم امرئ مسلم» 2](#_Toc511060410)

[مسأله؛ مشارکت أب و اجنبی در قتل ولد 3](#_Toc511060411)

[وجوب اخذ دیه از والد 3](#_Toc511060412)

[ادله ثبوت دیه بر والد (مرحوم آقای خویی ره) 3](#_Toc511060413)

[دلیل اول: لا یبطل دم امرئ مسلم 3](#_Toc511060414)

[دلیل دوم: نص خاص 3](#_Toc511060415)

[اشتراک مسلم و ذمی در قتل ذمی دیگر 4](#_Toc511060416)

**موضوع**: قتل به تسبیب/مراتب تسبیب/مرتبه چهارم/اشتراک در قتل /قتل عمد /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در راستای مباحث اشتراک در جنایت، به صورت مشارکت پدر با اجنبی در جنایت بر فرزند خود می رسد.

همان طوری که گذشت در مسأله مشارکت انسان با حیوان در قتل انسان دیگر، معروف و مشهور این است که انسان جانی ضامن نیمی از جنایت است و قابلیت قصاص را دارد منتهی قصاص او مستلزم رد فاضل دیه است؛ منتهی حق این است که ولی دم بین اختیار قصاص همراه با رد فاضل دیه و اخذ نیمی از دیه مخیر است.

مختار در دلیل تخییر؛ متافهم عرفی از روایات

مقتضای برخی نصوص مسؤولیت مشارک در قتل که البته مربوط به موارد مشارکت انسان با انسان دیگر است؛ این است که مشارک در قتل به منزله جانی مستقل در قتل به شمار می رود، و لذا استحقاق قصاص در این موارد نیز وجود دارد، اما از آن جا که نصوص متعددی در مشارکت، متعرض تخییر ولی دم نسبت به اخذ دیه نیز شده اند، اطلاقاتی که قاتل عمدی را مستحق قصاص دانسته است به غیر از موارد مشارکت تخصیص زده می شود.

با وجود این که نصوص فوق در مورد مشارکت مربوط به موارد مشارکت انسان با انسان در قتل غیر است، اما متفاهم عرفی از این نصوص جریان حکم موجود در این روایات، در مطلق موارد مشارکت است؛ چرا که تنها خصوصیت و تمایز مورد این روایات (مشارکت انسان با انسان در قتل غیر)، وجود مسؤولیت در ناحیه مشارک دیگر است، اما از آن جا که به حسب متفهم عرفی این مسؤولیت نسبت به مسؤولیت مشارک دیگر تأثیر و دخالتی ندارد، وجه اختصاصی برای این حکم به نظر نمی رسد.

بنابراین عمده دلیل تخییر نسبت به دیه و جواز تبدیل قصاص به دیه، در موارد مشارکت با حیوان در قتل غیر، متفاهم عرفی از همین نصوص است.

عدم تمامیت استدلال به ادله «لایبطل دم امرئ مسلم»

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا مُتَعَمِّداً ثُمَّ هَرَبَ الْقَاتِلُ فَلَمْ يُقْدَرْ عَلَيْهِ قَالَ إِنْ كَانَ لَهُ مَالٌ أُخِذَتِ الدِّيَةُ مِنْ مَالِهِ وَ إِلَّا فَمِنَ الْأَقْرَبِ فَالْأَقْرَبِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ قَرَابَةٌ وَدَاهُ الْإِمَامُ فَإِنَّهُ لَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ.***[[1]](#footnote-1)***

اما آن چه از کلام مرحوم آقای خویی ره در استدلال به ادله «لا یبطل دم امرئ مسلم» ذکر شد که بر اساس آن، عدم تخییر ولی دم موجب هدر دم محترم در برخی موارد (موارد عدم تمکن از پرداخت فاضل دیه) می شود؛ قابل استدلال نیست؛ چرا که مقتضای نصوص «لا یبطل»، بیان قاعده است نه این که تعلیل باشد؛ به این معنا که این نصوص می گوید در همه موارد و احوال لازم است دم مسلم، محترم باشد، اما این که این احترام به چه وجهی است، به قصاص است یا دیه و اینکه محل ثبوت دیه و تأمین آن از کجاست، با این روایات ممکن نیست، لذا ممکن است در این موارد که ولی دم تمکن از پرداخت فاضل دیه را ندارد، از باب عدم ابطال، دیه مجنی علیه بر عهده بیت المال خواهد بود. البته بر خلاف مواردی که قاتل فراری است و با این فرار خود حق الغیر را ابطال نموده است، یا این که فرار او مستند به عده ای است که در این موارد دیه بر عهده خود فراری یا افرادی است که او را فراری داده اند.

به تعبیر دیگر می توان گفت؛ از آن جا که جنایات حیوانات، مهدور و از آن ها سلب مسؤولیت شده است؛ ادله «لا یبطل دم امرئ» مفید استدلال نیست؛ چرا که این ادله مربوط به مواردی است که اصل مسؤولیت ثابت باشد، بر خلاف این مورد که مسؤولیت از حیوان نفی شده است.

##### مسأله؛ مشارکت أب و اجنبی در قتل ولد

عدم امکان قصاص پدر در قتل فرزند خود و این که یکی از شروط قصاص این است که قاتل، پدرِ مقتول نباشد از مسلمات است و نه تنها در قصاص نفس بلکه در قصاص طرف هم این گونه است که تفصیل آن موکول به محل خودش می شود.

اما در جایی که یک فرد اجنبی هم با این جانی (پدر مقتول) شریک در قتل باشد؛ بر طبق نصوص مشارکت، مانعی از قصاص قصاص این اجنبی نیست، منتهی به دلیل مشارکت، این قصاص مبتنی بر رد فاضل دیه است.

###### وجوب اخذ دیه از والد

اما در مورد والد این ولد، مرحوم آقای خویی ره قائل به لزوم پرداخت دیه به وراث این مقتول به غیر از خود جانی شده است و از آن جا که نیمی از جنایت مستند به این پدر می باشد، دیه نیز نصف دیه خواهد بود.

ادله ثبوت دیه بر والد (مرحوم آقای خویی ره)

دلیل اول: لا یبطل دم امرئ مسلم

روایات و نصوص متضمن قاعده «لا یبطل دم امرئ مسلم» یکی از دو دلیلی است که مرحوم آقای خویی ره برای اثبات دیه بر عهده والد جانی بر این ولد، بدان استدلال نموده است.

دلیل دوم: نص خاص

وَ بِأَسَانِيدِهِ إِلَى كِتَابِ ظَرِيفٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع‌ قَالَ: وَ قَضَى أَنَّهُ لَا قَوَدَ لِرَجُلٍ أَصَابَهُ وَالِدُهُ- فِي أَمْرٍ يَعِيبُ عَلَيْهِ فِيهِ- فَأَصَابَهُ عَيْبٌ مِنْ قَطْعٍ وَ غَيْرِهِ وَ يَكُونُ لَهُ الدِّيَةُ وَ لَا يُقَادُ.***[[2]](#footnote-2)***

روایت فوق هم دلیل دیگری بر ثبوت دیه بر عهده این والد جانی است که مرحوم آقای خویی ره بدا تمسک نموده است، و اگر چه که مورد این روایت، مربوط به جنایت بر طرف است، ولی همان گونه که ایشان متذکر شده است، به طریق اولی و فحوی در باب جنایت بر نفس نیز نفوذ دارد.[[3]](#footnote-3)

حق این است که دلالت این روایت بر مدعا تمام است، منتهی همان گونه که در بحث قبلی گذشت استدلال اول در مقام نیز باطل به نظر می رسد.

##### اشتراک مسلم و ذمی در قتل ذمی دیگر

مورد دیگری هم که توسط مرحوم آقای خویی ره در ذیل مسأله مشارکت اجنبی با اب در قتل فرزند این پدر، مطرح نموده است؛ مشارکت مسلمان با اجنبی در ایراد جنایت بر ذمی دیگر است که با توجه به عدم امکان قصاص مسلمان در قتل ذمی، حکم این فرض نیز مشابه با اصل مسأله خواهد بود.

1. . [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص365.](http://lib.eshia.ir/11005/7/365/) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج29، ص80، أبواب قصاص فی النفس ، باب32، ح10، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/29/80/) [↑](#footnote-ref-2)
3. . [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج42، ص33.](http://lib.eshia.ir/71334/42/33/) [↑](#footnote-ref-3)